[خطبه‌ی اول 3](#_Toc460574948)

[تفسیر سوره‌ی فلق 3](#_Toc460574949)

[متعدد بودن شرور عالم مادی 3](#_Toc460574950)

[قاعده‌ی کلی برای پناه بردن به خدا از همه‌ی شرور عالم 4](#_Toc460574951)

[حکمت وجود شرور در این عالم 5](#_Toc460574952)

[1. قابل قیاس نبودن خوبی‌های عالم با شرور 5](#_Toc460574953)

[2. انتخابی بودن برخی از شرور 6](#_Toc460574954)

[3. دوسویه بودن برخی از شرور 6](#_Toc460574955)

[4. شرور لازمه‌ی آفرینش 7](#_Toc460574956)

[5. شرور لازمه‌ی پیشرفت انسان 7](#_Toc460574957)

[رسیدن به کمال، در گرو صبر و بردباری در برابر شرور 7](#_Toc460574958)

[خوب بودن برخی از شرور در عین شر بودن 8](#_Toc460574959)

[نگاه عارفانه‌ِی اهل‌دل، به مصائب و شرور 8](#_Toc460574960)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc460574961)

[اشاره‌ای به ویژگی‌های شهید مطهری در سالروز شهادت ایشان 11](#_Toc460574962)

[هفته‌ی معلم و ویژگی‌های معلمان میبد 12](#_Toc460574963)

[پرورش استعدادهای درخشان کشوری 12](#_Toc460574964)

[وضعیت تحصیلی خوب معلمان 12](#_Toc460574965)

[توجه معلمان به تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان 13](#_Toc460574966)

[طرح‌ها و برنامه‌های آموزش‌وپرورش برای سال 84 13](#_Toc460574967)

[هفته‌ی کار و کارگر و اهمیت توجه به قشر کارگر 13](#_Toc460574968)

[توصیه‌هایی به قشر کارگری 14](#_Toc460574969)

[توصیه‌هایی به قشر کارفرما 14](#_Toc460574970)

[توجه به آسیب‌ها و تهدیدها در عرصه‌ی صنعت 14](#_Toc460574971)

[**دعا** 15](#_Toc460574972)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## تفسیر سوره‌ی فلق

بحث ما در رابطه با سوره‌ی فلق بود که آیه‌ی اول آن، موردبحث قرار گرفت و معانی‌ای برای فلق، ذکرشده بود که بحث کردیم. در آیه‌ی اول، پیامبر گرامی اسلام6 مأمور شدند بگویند: به خداوند فلق پناه می‌برم. خداوند روشنایی و نور، خداوند صبحگاهان و سپیده‌دم یا خداوند جهان خلقت و آفرینش. به خداوند خالق عالم، به خداوندی که نور را آفرید، صبحگاهان و سپیده‌دم را آفرید، پناه می‌برم. هر یک از آن معنای فلق که باشد، در جای خود قابل‌قبول هست؛ گرچه معنای اولیه‌ی فلق، بیشتر همان صبحگاهان و سپیده‌دم است. ای پیامبر ما، بگو به خداوند سپیده‌دم و صبحگاهان و صبح روشن، پناه می‌برم. این آیه‌ی اول بود.

### متعدد بودن شرور عالم مادی

آیه‌ی دوم (**مِن شَرِّ مَا خَلَق**‏)[[4]](#footnote-4)است. به خداوند سپیده‌دم و صبحگاهان از شر و بدی آنچه که در عالم خلقت هست و در جهان خلقت، وجود دارد، پناه می‌برم. در آیه‌ی دوم که (**مِن شَرِّ مَا خَلَق**‏) هست قبلاً عرض کردیم که در سوره‌ی ناس و در همین سوره، در آیات دیگر قرآن کریم، در روایات و ادعیه‌ی فراوان، ما استعاذه داریم. انسان می‌گوید: به خدا پناه می‌برم. روح انسان به خدا پناه می‌برد و این پناه بردن و پناه‌جویی به حضرت حق را به زبان جاری می‌کند. انسان از شرور مختلف به خدا پناه می‌برد و ما در تفسیر سوره‌ی ناس، این شرور را تقسیم کردیم. منتها در هرجایی از آیات قرآن، یکی از جلوه‌های بدی و تهدیدات و خطراتی که زندگی مادی یا معنوی انسان را تهدید می‌کند، مورداشاره قرار می‌گیرد و انسان از آن به خدا پناه می‌برد. این بدی، مصادیق و نمونه‌های بسیار متعددی مانند. بدی‌های طبیعی، بدی‌های معنوی را به همراه دارد. در شرور و آفت‌ها و آسیب‌های مادی با انواع و اقسامی داریم؛ از بیماری‌ها گرفته تا حوادث طبیعی که در عالم رخ می‌دهد. در شرور معنوی هم وسوسه‌های نفس و شیطان و همراهان ناپاک، ازجمله شروری است که در عالم وجود دارد و همیشه هم ما با انواع این خطرات و تهدیدات و بدی‌های مادی و معنوی مواجه هستیم و باید از همه‌ی این‌ها به خدا پناه ببریم.

### قاعده‌ی کلی برای پناه بردن به خدا از همه‌ی شرور عالم

در آیات قرآن و در روایات زیادی، مصادیق زیادی از این شرور ذکرشده است اما یکی از این مصادیق، در قله‌ی شرور و جامع همه‌ی آن‌هاست که همین آیه‌ی دوم سوره‌ی فلق است. اینجا دیگر گفته نشده که از شر بلاهای طبیعی، از شر آسیب‌های جسمی روحی معنوی به خدا پناه می‌بریم. هیچ مصداقی ذکر نشده است. این آیه، یک قاعده‌ی کلی است. از شر همه‌ی آنچه‌ که در این جهان خلقت وجود دارد به خدا پناه می‌برم. عنوان و مفهوم کلی است که هر بلا و آسیب و خطر و تهدید و شر و بدی را در برمی‌گیرد و درستش هم همین است. ما در این جهان پهناور، تنها یک نقطه‌ی نهایی و امید پایانی وجود دارد که در برابر همه‌ی شرور انسان به آن نقطه باید دل ببندد و به دامن او چنگ بزند و لذا خداوند این را به پیامبر آموخت که بگو از بدی و همه‌ی آنچه که در جهان هست به خداوند نور و روشنایی و صبحگاهان، پناه می‌برم. آن خدایی که جهان را آفرید، خدایی که نور و روشنایی را پدید آورد، خدایی که سپیده‌دم و صبحگاهان پر از امید را آفرید، شایسته‌ی این است که به دامن او چنگ بزنیم و به‌سوی او پناه ببریم و از او کمک بخواهیم و او را نقطه‌ی امید خود قرار دهیم.

**ارتباط آیه‌ی اول و دوم**

خدایی که روشنایی و نور را آفرید، همان خدا پناهگاه از همه‌ی بدی‌هاست. چرا ما به او پناه می‌بریم؟ برای این‌که او خالق است و روشنایی را او آفریده است. ارتباط آیه‌ی اول و دوم این است. در خلقت روشنایی و نور و سپیده‌دم و صبحگاهان، امید و نشاط برای بشر وجود دارد. آن خدایی که جهان را آفرید و روشنایی و صبحگاهان را به بشر ارمغان داد، آن خدا می‌تواند امید ما و نقطه‌ی آمال ما برای نجات از بدی‌هاست. قدرت‌ها دست اوست. امیدها دست اوست. روشنایی‌ها دست اوست. ربط آیه با اینجا در همین است. خدایی که مبدأ خلقت است؛ آن خدایی که روشنایی را در عالم آفرید؛ آن خدایی که نور صبحگاهان را برای تلاش و کار و فعالیت و امید و نشاط به بشر ارمغان داده، شایسته‌ِی امید بستن است. پس پیامبر ما، بگو از همه‌ی بدی‌هایی که در این عالم هست به خدای نور و روشنایی پناه می‌برم. همه‌ی بدی‌هایی که می‌تواند زندگی مرا بر هم بزند و سعادت مرا از بین ببرد. از همه‌ی این بدی‌ها به خدا پناه می‌برم. بدی‌ها، همه‌ِی اقسام بدی‌ها را در برمی‌گیرد. پس این آیه، شامل همه‌ی شرور و آفت‌ها است. برخلاف آیاتی که در سوره‌ی ناس داشتیم یا در سوره‌ی فلق بود یا در دعاهایی که از شرور مختلف به خدا پناه می‌بریم؛ ولی در اینجا می‌گوید از همه‌ی بدی‌ها و شرور به خدای نور و روشنایی پناه می‌برم. این (**مِن شَرِّ مَا خَلَق**‏) است.

### حکمت وجود شرور در این عالم

در مورد شر که در قرآن کریم هم بارها به کلمه‌ی شر اشاره‌شده و در همین تعبیر، کلمه‌ی شر یا سیئه یا مفاهیم دیگری که برای بدی در عالم ذکرشده است، سؤالی در باب بدی‌ها وجود دارد که در فلسفه، از قدیم تابه‌حال موردبحث قرارگرفته است. در کلام و گاهی در روایات هم موردبحث قرارگرفته است که من اینجا به آن می‌پردازم؛ اما به همه‌ی پاسخ‌ها نمی‌پردازم چون برخی از پاسخ‌ها فلسفی است که در جمع عمومی قابل‌طرح نیست. سؤالی که وجود دارد این است که آیا در عالم بدی وجود دارد؟ و اگر جواب مثبت هست چرا در عالم بدی و شر وجود دارد؟ حکمت و راز این‌که در عالم و جهان خلقت، شاهد شرور و آفت‌های گوناگون هستیم، چیست؟ خداوندی که عالم را خلق کرده، چرا اجازه داده است که شر و بدی و آفت، پدید بیاید؟ این سؤالی است که بشر از ابتدای خلقت در ذهنش بوده است. هنگامی‌که بشر وارد زندگی و عرصه‌ی تلاش و کوشش می‌شود، پیرامون خود در شخص خود، در خانواده و جامعه‌ی خود، در جهان خلقت، ضمن این‌که تابلو‌های بزرگی از زیبایی و شکوه و جمال و عظمت وجود دارد اما بشر با این هم مواجه بوده که بدی‌ها و ناسازگاری‌هایی هم در جهان خلقت دیده می‌شود. مانند زلزله، بیماری‌ها، آفت‌ها، آسیب‌ها و حوادث طبیعی و حوادثی که به دست انسان است و حوادثی که به دست انسان نیست تا به شیطان برسد. این‌ها از مظاهر شر در این عالم است. همیشه این سؤال برای بشر مطرح بوده است که این شرور و آفت‌ها، برای چه در این جهان وجود دارد؟ این سؤال، از آغاز در تفکر بشر و در فلسفه‌های مختلف بشری مطرح بوده است و گاهی هم در روایات این سؤال از ائمه طاهرین، مورد سؤال قرارگرفته است. در پاسخ به این سؤال، جواب‌ها و نکته‌های فراوانی مطرح‌شده است که من به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

ضمن این‌که این سؤال، یک پاسخ اساسی و بسیار عمیق فلسفی دارد و آن این است که شر به عدم و نیستی برمی‌گردد و در وجود، شر نیست. این جوابی است که اینجا جای توضیح آن نیست و یک بحث فلسفی است که در فلسفه‌ی یونان و فلسفه‌‌ی اسلامی و در فلسفه‌ِی ملاصدرا و در فلسفه‌ی معاصر بحث‌های دقیقی به‌عمل‌آمده است که در جمع عمومی، این جواب که یک جواب عمیق و پیچیده است، قابل‌طرح نیست. اما چند نکته‌ی دیگر وجود دارد که عرض می‌کنم.

#### قابل قیاس نبودن خوبی‌های عالم با شرور

اولین نکته این است که خود خداوند هم فرموده است که (**أَحْسَنَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ خَلَقَه**‏)[[5]](#footnote-5) بنیاد این عالم، بر خوبی و پاکی بنا گذاشته‌شده است. این هستی که در برابر ماست، اصل این جهان و بنیاد عالم، بر نیکی و پاکی و زیبایی و خیر بناشده است و بدی‌ها در مقابل عظمت جهان و خلقت، چیز اندکی است. این‌یک پاسخی است که داده‌شده است. شما اگر به خلقت عالم، ماورای طبیعت و عالم طبیعت، موجودات این عالم کنید، زیبایی و عظمت و شکوه جلال، بر بدی‌ها غالب است و بدی در مقابل آن‌ها چیز زیادی نیست. این‌یک نکته‌ای است که گفته‌شده است.

#### انتخابی بودن برخی از شرور

نکته‌ی دوم این است که بخش زیادی از بدی‌ها به اختیار و انتخاب انسان برمی‌گردد؛ البته همه‌ی آن‌ها این‌طور نیست و یک‌قسمتی از بدی‌ها و آلودگی‌ها به اختیار و انتخاب انسان برمی‌گردد. این هم نکته‌ی دیگری است که خداوند اجازه داده است اما در چهارچوب و غالب اختیار انسان این بدی‌ها محقق می‌شود.

#### دوسویه بودن برخی از شرور

نکته‌ی سوم هم این است که بدی‌ها ولو این‌که از یک نگاه، بد و شر هستند؛ اما چون برای امتحان و آزمون بشر لازم بوده، از این نگاه، به یک معنا بدی‌ها خوب هستند؛ برای این‌که هنگامی بشر می‌تواند به اوج سعادت و کمال برسد که از کانال اختیار و اراده‌ِی خود عبور کند. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست همه را ملائکه قرار دهد. اما همه اگر ملائکه باشند، پیامبر و چهره‌های بزرگی که از ملائکه بالاتر هستند، امکان وجود پیدا نمی‌کردند. وقتی در این عالم پیامبر و اولیاء الهی و انسان‌های بزرگ پیدا می‌شوند که زمینه‌ی اختیار به روی بشر باز باشد. برای این‌که این زمینه باز باشد، هم نیاز هست که در جهان خلقت، شیطان باشد و هم وسوسه‌ِی نفس باشد و هم این خطرات باشد تا انسان در دامنه‌ی این اختیار و انتخاب، رشد کند و در برابر بدی‌ها و خطرات انتخاب کند. بنابراین بدی‌ها، شر، وسوسه، شیطان، ضررها و خطرها اگر به ملاحظه‌ی این فرد خاص در نظر بگیریم، بد هستند؛ اما اگر جهان و عالم انسانی را در نظر بگیریم و این‌که خدا بایستی در کنار جلوه‌های عظمت ملائکه و عوالم غیبی، یک‌راهی را هم باز کند تا کسانی از طریق اختیار بالا روند، آن‌وقت شیطان، هوای نفس و وسوسه لازم است تا انسان بتواند با این‌ها مبارزه کند و به کمالات انسانی برسد. کمالاتی در عالم وجود دارد که جز با مبارزه‌ی با بدی‌ها، جز به جنگ بدی‌ها رفتن، تحقق پیدا نمی‌کند. ازاین‌جهت است که خداوند، ضمن این‌که همه‌ی این‌ها را می‌دانسته، اما برای این‌که میدانی برای کمال و رشد بی‌انتهای انسان پیدا شود و از درون این کانال اختیار و مقابله‌ی با وسوسه‌های بی‌انتهای این عالم، کسانی پیدا شوند که فولاد آب‌دیده شوند و در معرکه‌ی مبارزه‌ی با شیطان و هوای نفس، به درجات عالی برسند، خداوند این عرصه را بازکرده است. فلسفه‌ی وجود شیطان، وسوسه‌ی نفس و خطرهایی که در عالم وجود دارد، نکته‌ِی سوم را تأکید می‌کند. ضمن این‌که به یک معنا بد هستند؛ اما به یک معنا در نظام جامع الهی، در نظام خلقت، چیزهای خوبی هستند که می‌تواند انسان‌ها را به اوج کمال برساند و این لازمه‌ی جهان بوده است. این هم جواب دیگری است که در پاره‌ای از روایات هم ذکرشده است.

#### شرور لازمه‌ی آفرینش

نکته‌ی چهارمی که در مباحث فلسفی مطرح می‌َشود این است که ، وقتی‌که یک جهان و موجوداتی با این عظمت خلق می‌شود، لازمه‌ِ و طبیعت آن این است که در گوشه‌هایی از آن‌هم اصطکاک‌هایی وجود داشته باشد. این‌ها لازمه‌های قهری ایجاد و آفرینش جهانی با این عظمت است. وقتی کسی کار بزرگی را راه می‌اندازد، در گوشه‌کنار آن‌هم اشکالاتی پیدا می‌شود. می‌گویند: تا کسی درسی را ننوشت، اشکالی هم نمی‌توان به او گرفت؛ ولی وقتی‌که نوشت، می‌توان به برخی از جای آن اشکال گرفت. این لازمه‌ی قهری جهان و تزاحم در عالم است. در کارهای انسانی این‌طور است و در آفرینش بزرگ خلقت هم همین‌طور است. لازمه‌ی قهری این عالم این است که یک شروری هم داشته باشد.

#### شرور لازمه‌ی پیشرفت انسان

نکته‌ی پنجم هم این است که بسیاری از این بلاها و حوادث طبیعی، برای پیشرفت انسان لازم است. می‌دانید که بخش عمده‌ای از تکامل و پیشرفت انسان، در اثر این آفت‌ها و خطرهاست که فکر او باز می‌شود و اهل مقاومت و تلاش می‌شود، علم رشد پیدا می‌کند و امثال این‌ها. بسیاری از عظمت انسان در مبارزه با همین آفت‌ها و بلاهاست که پیدا می‌شود. نکته‌ی ششم هم این است که بخشی از این‌ها به اختیار خود انسان است. انسان‌ها می‌توانند به اختیار خود، مانع از این آسیب‌ها و آفت‌ها شوند.

### رسیدن به کمال، در گرو صبر و بردباری در برابر شرور

این شش نکته است که به‌صورت فهرست‌وار عرض شد و این‌ها رازهای وجود شرور در عالم هست؛ اما همان خدایی که بر اساس این فلسفه‌ها و اسرار، در کنار آن‌همه جلوه‌های نیکو و زیبا، گوشه‌هایی از خطر و آفت را قرار داده، همین خدا به ما آموخته است که باید به خدا پناه ببریم تا از آن‌ها مصون بمانیم. راه‌های مصون ماندن از وسوسه‌های از نفس و شرور معنوی، خداوند به ما آموخته است که باید آن‌ها را یاد گرفت. همان‌طور که به بشر عقل و فکر داده که جلو برود تا بلاها و آفت‌ها تا حد زیادی مبارزه کند، همان خدا آن عقل و معرفت را داده است و درعین‌حال ابزارهای روحی و معنوی و اخلاقی را به ما آموخته تا بتوانیم خود را از این شرور نگه‌داریم و این به اختیار ماست که می‌تواند مقابل این شرور بایستد. ضمن این‌که همان خدا، به ما آموخته که اگر از این شرور و آفت‌ها خلاص نشدی، از همین‌ها می‌توانی برای کمالات بالاتر بهره بگیری. این هم نکته‌ی مهم دیگری است. می‌گوید در دل همین آفت‌ها و بلاهاست که می‌توان به درجات بالاتری رسید. کسی که در بلاها تحمل داشته باشد، سختی‌ها و بلاها و خطرها هم انسان را آب‌دیده می‌کند و هم می‌شود با صبر و شکر خداوند، همین‌ها را دست‌مایه‌ی کمال معنوی، قرار داد. همین‌ها را سرمایه‌ای برای سعادت و رشد معنوی قرار داد؛ چون خیلی از درجات رشد و کمال است که بدون این تحمل‌ها و سختی‌ها امکان ندارد. از این نردبان سختی‌ها و آسیب‌ها باید بالا رفت تا به آن درجات کمال و معنویت رسید. ما در مواجهه‌ی با این آسیب‌ها، در دست‌وپنجه نرم کردن با این سختی‌ها می‌توانیم به درجاتی برسیم که اگر این‌ها نبود، امکان رسیدن به آن درجات نبود. می‌گوید حتی مصیبتی که به تو واردشده است با تحمل این مصیبت، با این‌که این را از خدا می‌دانی می‌توانی، درجات معنوی کسب کنی. این دیگر بد نیست. وقتی‌که ما با یک نگاه سطحی نازل می‌گوییم این بیماری، این مصیبت، این سختی برای ما گران بود؛ اما به یک معنا اگر نگاه خود را عوض کنیم می‌بینیم که در دل همین سختی و بدی، می‌شود غنچه‌هایی شکفته شود. در درون این امواج بلا، می‌تواند درجات متعالی معنوی و اخلاقی، پدیدار شود و انسان از همین‌ها برای چیزهای ارزشمندی استفاده کند.

### خوب بودن برخی از شرور در عین شر بودن

بنابراین ضمن این‌که باید از شرور و سختی‌ها به خدا پناه ببرد، یکی از جلوه‌های به خدا پناه بردن آن این است که وقتی‌که آمد، با صبر و شکر و بردباری، همین چیز بد به‌ظاهر سخت را سرمایه‌ی کمال متعالی قرار دهیم. (**عَسى‏ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُم**‏)[[6]](#footnote-6) این آیه‌ی بسیار زیبای قرآن کریم است. (**عَسى‏ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُم**‏) چه بسا ما سختی و دشواری، مصیبتی را سخت می‌داریم و آن را نمی‌پسندیم ولی در واقع، برای شما خیر است. سعادتی را برای شما جلب می‌کند. زمینه‌ای را برای کمال و ترقی شما پدید می‌آورد. بنابراین به این معنا حتی برای شخص انسآن‌هم این بلاها و سختی‌ها، چیز بدی نیست. همان‌طور که برای نوع بشر این بلاها و سختی‌ها مایه‌ی کمال و ترقی علمی و دانش و اندیشه بوده است. همان‌طور که خداوند در کنار این‌ها به انسان، اراده و انتخاب داده تا با اراده و انتخاب خود جلوی آن‌ها را بگیرد و با شرور معنوی مبارزه کند. اگر کسی مجموعه‌ی این نکات را کنار هم قرار دهد، آن‌وقت قانع می‌شود که در جمع، حتی بدی‌ها و آسیب‌ها و شرور و زمینه‌های خطری که در عالم وجود دارد، چیز خوبی است؛ ولو این‌که ریزبین شویم و ممکن است امثال این‌ها برای ما سخت باشد؛ اما به‌طورکلی برای کمال نوع بشر و برای انسان‌ها چیز خوبی است. آن‌وقت خداوند به ما آموخته است که به خدا پناه ببریم و سعی کنیم که این شرور فاصله بگیریم تا به ما آسیبی وارد نشود؛ بخصوص شرور معنوی و پناه بردن به خدا که دو مرحله دارد؛ یکی این‌که تلاش کند که شرور متوجه او نشود و دیگر این‌که اگر متوجه او شد، باز از این شر به خدا پناه ببرد؛ یعنی این شر، ما را تباه نکند. شقاوتمند نکند. دیدید که وقتی مصیبتی به شخصی وارد می‌شود، انسان ناسپاس، به خدا هم شکایت می‌کند اما انسان بردبار و با شخصیت، در دل بلا هم سپاسگزار خداست و آن را جلوه‌ی خداوند می‌بیند؛ بخصوص اگر آن بلاها در راه خدا باشد. آنجا که دیگر قله‌ی متعالی است و آنجا بد نیست. اگر سختی در مسیر اطاعت خدا برای ما پیدا شد آن دیگر مظهر لطف خداست و البته انسان‌های اندکی هستند که در آن میدان، به‌جایی می‌رسند که «ما **رایت الا جمیلا»** زینبی می‌شود که این‌همه سختی و بدی را جمال و جلال خدا می‌بیند.

### نگاه عارفانه‌ِی اهل‌دل، به مصائب و شرور

حالا نگاه‌های عارفانه‌های دیگری هست که قضایا را عوض می‌کند. من اینجا یک نکته‌ای را که از یک فرد اهل‌دل و معنا در مرگ فرزند خود شنیدم‌، نقل می‌کنم که برای خود من واقعاً تکان‌دهنده بود و بسیار نکته‌ی عرفانی در آن وجود داشت. کسی که پسر فاضل و دانشمندی را در جوانی و وقتی‌که به او امیدهای فراوانی به او بسته بود ازدست‌داده بود. وقتی‌که به او تسلیت گفتیم او نکته‌ای گفت و آن این بود که من به بالای قبر فرزندم رفتم که در سنین 40 سالگی و با کمالات بالا قرار داشت. لحظه‌ای حس کردم که سپاه غم، به سمت من هجوم می‌آورد؛ اما ناگهان در ذهنم این تداعی شد که اگر قدرت خدا در این مرگ ظهور پیدا می‌کند، من این را می‌پذیرم و این نکته مرا آرام کرد. من این جمله را از آن فرد شنیدم. آن‌وقت به این نکته دقتی نداشتم ولی بعد از مدتی که به آن فکر کردم دیدم عجب نکته‌ی زیبایی گفته است و به این نگاه عارفانه‌ی او به مرگ فرزندش آفرین گفتم. مرگ فرزند بسیار سخت است اما او می‌گوید وقتی‌که قدرت خدا در این مرگ، ظهور پیدا می‌کند من این را می‌پذیرم. نکته بسیار دقیق و زیباست. هرجایی که جمال و جلال خداوند ظهور و تجلی پیدا کند، جای شادی و شادابی و نشاط است. این نگاهی فوق این نکات می‌َشود. این دیگر بد نیست و خوب است.

نمونه‌ی دیگر و بالاتر آن این بود که امام در مرگ حاج‌آقا مصطفی فرمودند. جمله‌ی بسیار عجیبی بود. وقتی آقا مصطفی مرحوم شدند، در آن سال‌هایی که آن سخنرانی امام و موج الهی و انقلابی که آن سخنرانی آن مرد خدایی در کشور ما ایجاد کرد که پایه‌ی یک انقلاب بزرگی شد، کسانی که آن زمان را به یاد دارند ما در آن زمان در نوجوانی بودیم که آن نوار سخنرانی امام که در چهلم آقا مصطفی که آمد، فراموش نمی‌شود. آن بیان عرفانی، آن نگاه عارفانه و عاشقانه‌ی امام به خدا که پشتوانه‌ی اصلی شخصیت امام بود. امام هنوز هم در میان ما شناخته‌شده نیست. شما ملاحظه کنید که فرزند مجتهد برومند و باشخصیتی که امید آینده‌ِی اسلام بوده، چقدر یک پدر پیر، در تبعید، در برابر آن‌همه سختی‌ها و مشکلات، تمام امیدهای او می‌تواند در یک فرزند مجتهد جامع بسیار بزرگ و با شخصیت متمرکز شود درحالی‌که هیچ کسالتی هم نداشته، ناگهان به شهادت برسد. چقدر می‌تواند به روان و روح یک شخص آسیب بزند. گاهی شخصی این مصیبت را به درون خود می‌برد و چیزی نمی‌گوید. امام، شخصیتی آرام و مطمئنی است که در تبعید‌ها و زندان‌ها و بلاها و در سختی‌ها، خم به ابرو نیاورده. امام، اعجوبه‌ی نادر روزگار ما بود. هیچ جا و در برابر آن‌همه سختی‌ها خم به ابرو نیاورده است. در سال 42 وقتی‌که ایشان سخنرانی کرد و سخنرانی ایشان می‌توانست منجر به اعدام ایشان بیانجامد و قطعاً ایشان با اطمینان به این‌که از بین خواهد رفت، وارد آن سخنرانی عظیم مدرسه‌ی فیضیه شد. آقا مصطفی نقل می‌کند که تا قبل از سخنرانی، امام ناراحت بود؛ اما همین‌که از منبر پایی آمد و برگشت که الآن اول خطر و مصیبت است، چهره‌ی امام شکفته شد. این نمونه‌ی همان امام حسین7 در روز عاشوراست که دیدند شاداب و بانشاط است. ما کجا و این عارفان و الگوهای الهی کجا؟ دیدند که امام شاداب است. این شادابی به خاطر انجام تکالیف الهی است. حالا که به وظیفه عمل کرد، این بدی‌ها بدی نیست بلکه نیکی است. آن‌وقت در چهلم مرحوم حاج‌آقا مصطفی امام فرمود: این از الطاف خفیه‌ی الهی بود. این نگاه عارفانه‌ای است که هر چه جانان پسندد، او می‌پسندد و هر جا که او جلوه کند، عشق می‌ورزد. در هر تجلی خدا، نیکی و پاکی و زیبایی می‌بیند و امام این‌طور بود. در مرگ فرزند خود آن‌هم آن فرزند و در آن شرایط، نگفت صبر می‌کنم. فرمود: این لطف خفی خدا بود و خدا را به خاطر این لطف، شکر می‌کنم. این جایی است که بسیار سخت است که به آنجا برسیم.

بنابراین شروری که در عالم هست و سؤال می‌شود که چرا هست؟ هفت هشت نکته را بنده عرض کردم؛ ولی اوج آن این است که بسیاری از این بدی‌ها در نگاه عارف و محب خدا، نیکی می‌َشود و موردپسند می‌شود. آنگاه زینب3 می‌شود؛ امام می‌شود؛ آنگاه چهره‌های بزرگی می‌شود که در این پهنه‌ی آزمون الهی، قله‌های صبر و بردباری و شکر خدا را کسب کردند و ما باید تلاش کنیم که در این مسیر گام برداریم. وقتی می‌گوییم: (**مِن شَرِّ مَا خَلَق**‏)[[7]](#footnote-7) معنایش این است که بدی‌هایی که مرا شقاوتمند می‌کند، به من نرسد؛ اما اگر بدی‌ و خطر سرمایه‌ای برای کمال روحی من می‌شود؛ انسان‌های عاشق آن را بد نمی‌داند. پناه بردن به خدا برای این است که بدی به من برسد که به زمین بخورم و تاب مقاومت نداشته باشم والا همه‌ی این‌ها نیکی است. این هم آیه‌ی دوم سوره‌ی فلق است که ان‌شاءالله آیات بعدی را در هفته‌های آینده ذکر خواهم کرد.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[8]](#footnote-8)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[9]](#footnote-9) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم. در این خطبه، به ترجمه‌ی فرازی از خطبه‌ی 161 نهج‌البلاغه را تقدیم محضر مبارک شما نمازگزاران عزیز می‌نمایم. پیشوای پارسایان و امیرمومنان7 می‌فرماید: بندگان خدا، شما را به پارسایی و فرمان‌بری از خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم؛ چراکه تقوا و فرمان‌بری از خداوند، مایه‌ی رهایی ابدی شما و نجات و سعادت جاودانه‌ی شماست. از خداوندی بترسید که شما را از عذاب، ترساند و به‌خوبی این انذار را به شما ابلاغ کرد. شما را به رضوان و جنت خود ترغیب و تشویق کرد و به‌خوبی این ترغیب را به شما منتقل کرد. خداوندی که به نیکی، دنیا و فنای عالم را برای شما تصویر کرد. زوال و تحول عالم و نعم این عالم را جلوی چشمان شما مجسم کرد. از آنچه که فریبنده‌ی شما در این دنیاست، چشم بپوشید؛ زیرا مصاحبت با فریب‌های دنیا، با شما کوتاه و اندک خواهند بود. دنیای مادی شما، بسیار به خشم خدا نزدیک و از رضوان و خشنودی خداوند به دور است. از این دنیا بپرهیزید و پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند را مبنای زندگی و عمل خود قرار دهید. امیدواریم خداوند به ما توفیق قدم برداشتن در این مسیر نورانی را به ما عنایت و کرامت بفرماید. چند مناسبت است که به صورت کوتاه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

## اشاره‌ای به ویژگی‌های شهید مطهری در سالروز شهادت ایشان

در آستانه‌ی سالروز شهادت فیلسوف بزرگ و فرزانه‌ی یگانه‌ی دوران ما، مرحوم آیه الله شهید مطهری است که یاد این عالم بزرگ را گرامی می‌داریم و همین‌طور روز و هفته‌ی معلم که همزمان با شهادت ایشان اعلام‌شده را نیز گرامی می‌دارم و اولاً تأکید می‌کنم بر آنچه که امام و مقام معظم رهبری آن را مورد تأکید قراردادند و آن اهتمام به انس و آشنایی با کتاب‌ها و اندیشه‌های روشن و تابناک مرحوم شهید مطهری است. درست است که زمانه می‌گذرد؛ اما باید در انتظار پیشرفت علم و دانش و طلوع انسان‌های بزرگی باشیم که از اندیشه و فکر آن‌ها بهره بگیریم؛ اما مرحوم شهید مطهری، در میان عالمان ما، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند. جامعیت شهید مطهری، عمق و ژرفایی اندیشه‌ی ایشان و اخلاص و انگیزه‌ی پاک او، قلم و بیان روان و آسان او و اطمینانی که به اصالت و صحت افکار شهید مطهری است، این مجموع ویژگی‌ها او را در جایگاهی ممتاز قرار داده است و کتاب‌ها و آثار او را علی‌الاصول یک مبنای خوب و پایه‌ی استواری برای هدایت نسل جوان ما قرار داده است. ما در طول چند دهه‌ی گذشته، همچنان شاهد این هستیم که اندیشه‌های روشن و تابناک و ارزشمند مرحوم شهید مطهری برای جامعه‌ و نسل جوان و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه‌ی ما همچنان زنده است و از این مشعل فروزان و خان گسترده‌ی الهی که اندیشه‌های روشن و پاک شهید مطهری باشد باید استفاده کرد. هم یاد و خاطره‌ی او را گرامی می‌داریم و هم باید همه‌ی ما تلاش کنیم تا نسل جوان و آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌های خود را با اندیشه‌های ناب اسلامی و اندیشه‌هایی که در کتاب و بیان و قلم مرحوم شهید مطهری تجلی پیداکرده، بیشتر انس پیدا کنیم.

## هفته‌ی معلم و ویژگی‌های معلمان میبد

به همین مناسبت هفته‌ و روز معلم را داریم که من اینجا باید از همه‌ی معلمان و مربیان و مدیران و جمع ارزشمندی که در آموزش‌وپرورش در خدمت فرزندان ما هستند و تلاش‌های خوب و قابل‌تقدیری انجام می‌دهند، تشکر کنم و یکی دو نکته را در این مورد بد نیست که اشاره‌کنم. طبق آماری که به بنده داده‌اند 1600 نفر در شهرستان میبد، فرهنگی هستند که عمده‌ی این‌ها معلمان و مربیان و مدیران هستند که تقریباً نصف آن‌ها خواهر هستند.

### پرورش استعدادهای درخشان کشوری

از نقاط خوبی که این مجموعه، در مسیر آن تلاش می‌کنند این است که در طول سال‌های مدید و در یک دهه‌ی گذشته، بارها و مکرر این جمع خوب و پرتلاش معلمان و مدیران و مربیان عزیز ما افتخارات بزرگی را برای منطقه و استان و برای کشور اسلامی ما به ارمغان آورده‌اند و همواره نخبگان و ممتازان و استعدادهای درخشانی را پرورش دادند که این مسیر ارزشمندی بوده که درخور تقدیر و تشکر است؛ به‌گونه‌ای که فعالیت و تلاش این‌ها طوری است که در منطقه‌ی ما، کمتر نیاز به مدارس مثلاً ویژه، غیرانتفاعی و فعالیت‌های خاصی که در مناطق دیگر، خانواده‌ها پول‌های زیادی خرج می‌کنند، پیدا می‌شود. علت آن این است که این جمع، جمع دلسوز و پرتلاشی هستند که درخور تقدیر تلاش این جمع 1600 نفره که مسئولیت تعلیم و تربیت فرزندان ما را بر دوش کشیده‌اند به صورتی که خانواده‌ها نیازی به هزینه‌های اضافی ندارند و کارهای بزرگ، با توقع کم انجام می‌دهند. این کار مبارکی است که امیدواریم استمرار پیدا کند. بی توقع و با توقعات اندک، قدم‌های بزرگی در تعلیم و تربیت فرزندان ما برمی‌دارند.

### وضعیت تحصیلی خوب معلمان

بحمدلله در کنار این دستاورد درخشانی که ما از این جمع فاخر، سراغ داریم شاهد هستیم که خود این‌ها از نظر تحصیلات، وضع خوبی دارند. ما علاوه بر پذیرش و قبولی‌هایی که رتبه‌های کشوری داریم، به لحاظ سطح مربیان و معلمان، کارنامه‌ی مثبتی در شهر داریم و بیش از نیمی‌ از این جمع، دارای مدرک لیسانس به بالا هستند که این رقم و نسبت بسیار دلگرم‌کننده‌ای است که نشان می‌دهد جمع مربیان و معلمان ما، در کنار تلاش شبانه‌روزی که برای تعلیم و تربیت نسل آینده‌ی ما انجام می‌دادند، وقت خوبی برای رشد و پیشرفت خود، ازنظر علمی و اخلاقی صرف کرده‌اند و این درخور تقدیر مضاعف است که تلاش کردند تا سطح علمی خود را بالا بیاورند. هر چه سطح علمی، ایمانی و اخلاقی این جمع بالاتر رود آثار و بازتاب آن در نسل 10-20 هزارنفره‌ی نوجوان ما، مشهودتر و مؤثرتر خواهد بود. این جمع، که به لحاظ علمی وضع ممتازی دارند، به لحاظ تلاش و توفیقات در کار هم وضعیت بسیار خوبی دارند، هم درخور تقدیر و تشکر هستند.

### توجه معلمان به تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان

در کنار این تشکر و قدردانی،باید در اینجا توصیه کرد که این جمع باید قدر خود را بدانند و همان‌طور که عرض کردم در کنار مسائل آموزشی، به مسائل اخلاقی، معنوی و تربیت اجتماعی و تربیت اخلاقی و فکری نسل جوان ‌هم باید توجه داشته باشند. آموزش‌وپرورش ما در قبال دین و اخلاق و طهارت روح فرزندان ما و تربیت اجتماعی و اخلاقی مناسب فرزندان ما هم دارای مسئولیت دشواری هستند. همان‌طور که باید این جمع بزرگ، همواره به فکر این باشند که قبولی‌های مقاطع و کنکور آن‌ها امتیاز بیاورند، این جمع ارزشمند باید به فکر این هم باشند که خروجی‌های از مدارس و کلاس‌های ما، تربیت اجتماعی درستی داشته باشند. فرهنگ و اخلاق و معنویت و دین‌داری سطح بالایی در روح و روان آن‌ها، ترسیم و تعمیق شود. این مسئولیت را نیز دارند. ما در کنار مسائل معمولی آموزشی، باید به مسائل تربیتی و اخلاقی و اجتماعی هم عنایت داشته باشیم و همین‌طور به پرورش انسان‌های بزرگ و دانشمند و محققی که بتوانند به همه‌ی این کشور، خدمت کنند باید همت کنیم. این جمع 1600 نفره، کارهای بزرگی انجام دادند اما همچنان باید سرشار از امید و احساس مسئولیت در این میدان وسیع، بتازند. این قابلیت و توانایی در شما هست. باید روحانیون، معلمان و مربیان ما اخلاق و معنویت و عشق و ایمان و تلاش و فداکاری برای پیشرفت جامعه و ترقی جامعه در همه‌ی ابعاد را از شهید مطهری الگو بگیرند و این درس و وظیفه‌ای است که امیدواریم در جامعه‌ی ما بیشتر موردتوجه قرار بگیرد. ما حدود 17-18 هزار دانش‌آموز در دستان آموزش‌وپرورش هستند و به حمدلله در این زمینه به‌خوبی کارکردند و انتظار می‌رود که در همه‌ِی ابعاد شاهد این باشیم که قدم‌های بزرگ‌تری بداشته شود. ان‌شاءالله.

### طرح‌ها و برنامه‌های آموزش‌وپرورش برای سال 84

در سال 84 هم برنامه‌های خوبی را آموزش‌وپرورش پیگیری می‌کند و امیدواریم که باهمت مسئولان شهر، ما شاهد این باشیم که در قسمت فعال شدن بخش پژوهشی و پژوهشکده‌ی آموزش‌وپرورش و در فعال شدن اردوگاهی که برای دانش‌آموزان طراحی‌شده و پروژه‌های دیگری که در سطح شهر هست، مسئولان ‌هم تلاش کنند و همکاری کنند و خود آموزش‌وپرورش هم همت کند و در اینجا در کنار این نکات، که به معلمان و مربیان آموزش‌وپرورش برمی‌گردد یا به مسئولان، یک توصیه‌ای هم به خودمان یعنی اولیا و خانواده‌ها باید داشته باشیم که هم ازلحاظ اخلاقی و تحصیلی و معنوی باید همراهی کنیم تا این نسل شکوفا شود و پیش برود و هم به لحاظ سخت‌افزاری و تجهیزات و ساختمان مدارس، همکاری‌هایی که به صورت ممتاز در این شهر بوده، ان‌شاءالله ادامه پیدا کند.

## هفته‌ی کار و کارگر و اهمیت توجه به قشر کارگر

همچنین ما در این هفته، هفته و روز کار و کارگر را داریم که یک مقوله‌ی مهم دیگری است که وظیفه‌ی همه‌ی ماست که از همه‌ی کارگران عزیز هم تشکر کنیم. آماری که از آقای فرماندار به من دادند ما غیر از این‌که کشاورزی هم نوعی کار و کارگری است؛ قلمروهای مختلف عرصه‌ِی کار هست و همین‌طور خدماتی که در ادارات به آن‌ها ارائه می‌َشود؛ اما مقوله‌ی خاص کارگری در منطقه و در شهر باید موردتوجه قرار بگیرد. ما هم‌اکنون حدود 150 واحد فعال در شهرداریم و حدود 100 واحد هست که در طول چند سال آینده، باید به بهره‌برداری برسد و حدود 4500 نفر در این واحدها مشغول فعالیت هستند و این رقم با اضافه شدن واحدهای دیگر به حدود 10000 نفر خواهد رسید. جمع کارگران طبعاً یک جمع بسیار مهم و بزرگی در کشور و منطقه است که این بخش روزبه‌روز رو به افزایش هست. ما به مناسبت امروز و روز کار و کارگر باید از کسانی که چرخ‌های صنعت این کشور را به حرکت‌ درمی‌آورند تشکر کنیم که باهمت آن‌ها و فکر و تلاش و کار آن‌ها و قوت بازوی آن‌ها، چرخ‌های صنعت به حرکت درمی‌آید و تولید به‌پیش می‌رود و ضمن این تقدیر و تشکر، باید توصیه‌هایی را که همواره تکرار می‌شد را دوباره تکرار می‌کنم.

### توصیه‌هایی به قشر کارگری

باید برای سرمایه‌گذاری مسئولان و افرادی که امکان سرمایه‌گذاری دارند، تلاش کرد. باید سرمایه‌های اندک در کارهای بزرگ جمع شود و انواع کارخانه‌هایی که بتواند نیازهای جامعه را برطرف و تأمین کند، باید فعال شود. جذب سرمایه، حمایت از سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و کار محوری است که هرچه برای آن کار شود، می‌تواند به‌عنوان عبادت، تلقی شود. بی‌تردید یک عبادت است. ایجاد اشتغال و فعال کردن واحد‌های صنعتی چه صنایع‌دستی و چه صنایع جدید و ماشینی از کارهای مهم است. در بحث‌های کشاورزی هم همین‌طور است. فرهنگ جامعه‌ی ما باید فرهنگ کار، تلاش، ایجاد شرکت‌های تعاونی و حمایت از کارخانه‌ها و صنایع باید باشد. این وظیفه‌ای است که باید همه انجام دهند. کارگران عزیز، باید برای خودکفایی و پیشرفت کشور، کار خود را عبادت بدانند و همکاری برای پیشرفت کارخانه و صنعت را کار خدایی تلقی کنند.

### توصیه‌هایی به قشر کارفرما

از آن‌طرف کارفرمایان و صاحبان صنایع هم باانصاف و مروت و توجه به قشر کارگر که ستون‌های اصلی این خیمه‌ی صنعت هستند داشته باشند و به آن‌ها عنایت داشته باشند و مشکلات آن‌ها را برطرف کنند و از هیچ‌گونه حمایت ممکن دریغ نکنند. این هم وظیفه‌ای است که صاحبان کارفرما و صاحبان صنایع دارند و امیدواریم که ما در مقوله‌ی اشتغال، جذب سرمایه و تولید و پیشبرد صنعت قدم‌های بلندتری برداریم البته خطرهایی برای برخی از صنایع وجود دارد که باید مسئولین به فکر آن‌ها باشند و به فکر هم هستند و تلاش می‌کنند.

### توجه به آسیب‌ها و تهدیدها در عرصه‌ی صنعت

ما به نحوی در این عرصه، پیشتاز بودیم اما اگر آسیب‌شناسی و تلاش نکنیم ممکن است خطرات جدی ما را تهدید کند و بیکاری بیشتری ما را مورد تهدید قرار دهد. ازاین‌جهت است که باید به بحث کار و سرمایه و تولید و برنامه‌ریزی برای این‌که اشکال و خطری برای این کارها پیدا نشود، توجه بیشتر مسئولان را می‌خواهد که توجه دارند. عمده هم کار و تلاش و سرمایه‌گذاری است که باید در خود جوانان و جامعه‌ی ما باشد و از همان زمان آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌ها و خانواده‌ها، فرهنگ اخلاق و معنویت و نظم و انضباط و رعایت قانون و در کنار این‌ها فرهنگ کار و تلاش، باید موردتوجه باشد که بحمدالله تا حد زیادی هم در این زمینه تلاش شده است و امیدواریم که این تلاش‌ها منشأ پیشرفت مادی و معنوی و رشد فرهنگی و اقتصادی و منطقه و کشور، قرار بگیرد.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[10]](#footnote-10)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی سجده، آیه‌ِی 7. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 216. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-10)